

ترجمه از متن اصلی بابلی به فارسی: دکتر شاهرخ رزمجو، بخش خاورمیانه موزه بریتانیا/دانشگاه تهران

(متن بازنگری شده)

ترجمه متن استوانه کورش بزرگ

- 1) [آن هنگام که مرادوک، پادشاه همه آسمان و زمین،، [که] در ...یش [... دشمنانش (؟) را] ویران می کند.
- 2) [.....] با دانایی گسترده (؟)، [... که گو]شه های جهان [را نظاره (؟) می کند].
- 3) [.....] بزرگزاده اش (=پلشزر)، فرومایه ای به سروری سرزمینش گمارده شد.
- 4) [.....] (=نبونئید) [فرمانروایی (؟) سا]ختگی بر آنان گمارد،
- 5) نمونه ای (ساختگی) از اسگیل سا[خت و] برای (شهر) اور و دیگر جایگاه های مقدس [.....].
- 6) آیین هایی که شایسته آنان (خدایان/پرستشگاه ها) نبود. پیشکشی [هایی ناپاک] بی پروا [...] هر روز یاوه سرایی می کرد و (به شیوه ای) [ها]نت آمیز
- 7) پیشکشی های روزانه را باز داشت. او در [آیین ها دست برد و] درون پرستشگاه ها برقرار [کرد]. در دلش به ترس از مردوک -شاه خدایان- پایان [داد].
- 8) هر روز به شهرش (=شهر مردوک) بدی روا می داشت [..... همه مردما]نش (=مردمان مردوک) را با یوغی رها نشدنی به نابودی کشاند.
- 9) [.....] از شکوه ایشان بسیار خشمگین شد، و [.....] قلمرو آنان (را) (؟) خدایانی که درون آنها می زیستند محراب هایشان را رها کردند،
- 10) خشمگین از اینکه او (=نبونئید) (آنان را) (=خدایان غیر بابلی) به (شهر) شوانه (=بابل) وارد کرده بود. مردوک بلند[پایه، انلیل خدایان] برحم آمد. (او) به همه زیستگاه هایی که جایگاه های (مقدس) شان ویران گشته بود

- 11) و مردم سرزمین سومر و آكد كه همچون كالبد مردگان شده بودند، اندیشه [اش] را بگردانيد (و) بر آنان رحم آورد. او همه سرزمين ها را جست و بررسي كرد،
- 12) شاهي دادگر را جستجو كرد كه دلخواهش باشد. او كورش، شاه (شهر) انشان را به دستانش گرفت و او را به نام خواند، (و) شهرياري او را بر همگان به آوای بلند برخواند.
- 13) او (=مردوك) سرزمين گوتي (و) همه سپاهيان مادي را در برابر پاهای او (=كورش) به كرنش درآورد و همه مردمان سرسياه (=عامه مردم) را كه (مردوك) به داستان او (=كورش) سپرده بود،
- 14) به دادگري و راستي شباني كرد. مردوك، سرور بزرگ، كه پرورنده مردمانش است، به كارهای نيك او (=كورش) و دل راستينش به شادي نگريست
- 15) (و) او را فرمان داد تا بسوي شهرش (=شهر مردوك)، بابل، برود. او را واداشت (تا) راه (شهر) تينتير (=بابل) را در پيش گيرد و همچون دوست و همراهي در كنارش گام برداشت.
- 16) سپاهيان گسترده اش كه شمارشان همچون آب يك رودخانه شمردني نبود، پوشيده در جنگ افزارهايشان در كنارش روان بودند.
- 17) (مردوك) او (=كورش) را بدون جنگ و نبرد، به درون (شهر) شوآنه (=بابل) وارد كرد (و) شهرش، بابل را از سختي رهانيد. او (=مردوك) نبوتيد، شاهي را كه از او نمي هراسيد، در دستش (=دست كورش) نهاد.
- 18) همه مردم بابل، تمامي سرزمين سومر و آكد، بزرگان و فرمانبرداران در برابرش كرنش كردند (و) بر پاهایش بوسه زدند، از پادشاهي او شادمان گشتند (و) چهره هايشان درخشان شد.
- 19) آنان (مردوك)، سروري را كه با ياري اش به مردگان زندگي بخشيد (و) آنكه همه را از سختي و دشواري رهانيد، شادمانه ستايش كردند و نامش را ستودند.
- 20) منم كورش، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه نيرومند، شاه بابل، شاه سومر و آكد، شاه چهارگوشه جهان.
- 21) پسر كمبوجيه، شاه بزرگ، شاه شهر انشان، نوه كورش، شاه بزرگ، شاه شهر انشان، نواده چيش پيش، شاه بزرگ، شاه شهر انشان،

- 22) دودمان جاودانه پادشاهی، که خدایان بل و نبو فرمانرواییش را دوست می دارند (و) پاد[شا]هی او را با دلی شاد یاد می کنند. آنگاه که با آشتی به در[اون] بابل در آمدم،
- 23) جایگاه سروری (خود) را با جشن و شادمانی در کاخ شاهی برپا کردم. مردوک، سرور بزرگ، قلب گشاده کسی که بابل را دوست دارد، همچون سرنوشتم به من [بخشید] (و) من هر روز ترسان در پی نیایش اش بودم.
- 24) سپاهیان گسترده ام با آرامش درون بابل گام برمی داشتند. نگذاشتم کسی در همه [سومر و] آکد هراس آفرین باشد.
- 25) در پی امنیت [شهر] بابل و همه جایگاه های مقدسش بودم. برای مردم بابل [.....] که بر خلاف خوا[است] خدایان [یوغی بر آنان نهاده بود که شایسته شان نبود،
- 26) خستگی هایشان را تسکین دادم (و) از بندها (؟) رهایشان کردم. مردوک، سرور بزرگ، از رفتار [نیک من] شادمان گشت (و)
- 27) به من کورش، شاهی که از او می ترسد و کمبوجیه پسر تنی [ام و به] همه سپاهیانم،
- 28) برکتی نیکو ارزانی داشت، تا با آرامش، شادمانه در حضورش باشیم. به [فرمان] والایش، همه شاهانی که بر تخت ها نشسته اند،
- 29) از هر گوشه (جهان)، از دریای بالا تا دریای پایین، آنانکه در [سرزمین های دور دست] می زیند، (و) شاهان سرزمین آمو رو که در چادرها زندگی می کنند، همه آنان،
- 30) باج سنگینشان را به بابل آوردند و بر پاهایم بوسه زدند. از [شوآنه] (=بابل) تا شهر آشور و شوش،
- 31) آکد، سرزمین اشنونه، شهر زمبن، شهر متورنو، در، تا مرز گوتی، جایگاه های مقدس آنسو ای دجله که از دیرباز محراب هایشان ویران شده بود،
- 32) خدایانی را که درون آنها ساکن بودند، به جایگاه هایشان بازگرداندم و (آنان را) در جایگاه های ابدی خودشان نهادم. همه مردمان آنان (=آن خدایان) را گرد آوردم و به سکونتگاه هایشان بازگرداندم
- 33) و خدایان سرزمین سومر و آکد را که نبودید - در میان خشم سرور خدایان - به بابل آورده بود، به فرمان مردوک، سرور بزرگ، به سلامت

34) به جایگاه هایشان بازگرداندم، جایگاهی که دلشادشان می سازد. باشد تا همه خدایانی که به درون نیایشگاه هایشان بازگرداندم،

35) هر روز در برابر (خدایان) پل و نبو، روزگاری دراز (=عمری طولانی) برایم خواستار شوند (و) کارهای نیکم را یادآور شوند و به مردوک، سرورم، چنین گویند که ”کورش، شاهی که از تو می هراسد و کمبوجیه پسرش

36) ... [(باشد که) آنان تا روزگاران دراز(؟)، سهمیه دهندگان نیایشگاه هایمان باشند“ و (؟)] (باشد که) مردمان بابل شاهی مرا [بستایند] . من همه سرزمین ها را در صلح (امنیت) نشاندم.

37) [غا]ز، دو مرغابی و ده کبوتر، بیشتر از [پیشکشی پیشین] غازها و مرغابی ها و کبوترهایی که

38) [روز]انه افزودم. در پی استوار کردن باروی دیوار ایمگور-انلیل، دیوار بزرگ بابل برآمدم

39) [.....] دیواری از آجر پخته، بر کناره خندقی که شاهی پیشین ساخته بود، ولی ساختش را به پایان نبرده بود [... کار آن را [... به پایان بردم].

40) ... که [شهر را] از بیرون [در بر نگرفته بود]، که (هیچ) شاهی پیش از من (با) کارگران به بیگاری [گرفته شده] سرزمینش در [بابل] نساخته بود.

41) [.....] [(آن را) [با قیر] و آجر پخته از نو برپا کردم و [ساختش را به پایان رساندم].

42) [.....] دروازه های بزرگ از چوب های سدر [با روکش مفرغین. من همه آن درها را با آستانه [ها و قطعات مسی] کار گذاردم.

43) [.....] کتیبه ای از [آشوربانیپال، شاهی پیش از من، [بر آن] نوشته شده بود، [درون آن دیدم].

44) [.....] در جای خود [نهادم (؟)] [(باشد که) مردوک، سرور بزرگ، همچون هدیه ای به من عطا کند زندگانی دراز، (و) عمری کامل،]

45) [تختی ایمن و سلطنتی پایدار، و باشد که من در قلبت تا به] جاودان.

نام کاتب لوحه گلی (مربوط به دو قطعه نو یافته):

[نوشته و تطبیق] شده [از (روی لوحه) ...]؛ [این لوحه قیشتی-مردوک، پسر [...]].

سطرهای 1-2، 36 و 44-45 به کمک دو قطعه از یک لوحه گلی نویافته در موزه بریتانیا، حاوی نسخه ای دیگر از متن استوانه کورش، بازسازی شده اند.

نقطه چین = شکستگی متن

[] = بخش های شکسته و یا بازسازی شده

() = توضیحات

(?) = احتمال ها